

موضوع:

نماز: ۲۰ (فقه و حقوق: ۳۵۶)

گروه مخاطب:

= عمومی

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۲۰۸

مسلسل انتشار (چاپ اول و باز چاپ): ۶۳۵۲

کتاب‌های آیه‌الله امینی / ۱۶

امینی، ابراهیم، ۱۳۰۴ -

نماز نور چشم پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله / ابراهیم امینی. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۲.

[۱۸۰] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۲۰۸. کتاب‌های آیه‌الله امینی: ۱۶) (فقه و حقوق: ۳۵۶، نماز: ۲۰)

ISBN 978-964-09-1449-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما.

Ayatollah Ibrahim Amini. Salah, the glory of the Prophet's eye

ص. ع. به انگلیسی:

کتاب‌نامه: ص. [۱۷۳] - [۱۷۶] همچنین به صورت زیرنویس.

چاپ دوم: ۱۳۹۴.

۱. نماز. ۲. نماز - جنبه‌های قرآنی. ۳. نماز - احادیث. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۳۵۳

BP ۱۸۶ / الف ۸ ن ۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۲۲۰۴۸۱

۱۳۹۴

نماز نور چشم پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

آیه الله ابراهیم امینی

بیتنا
۱۳۹۴

بوستان کتاب

نماز نور چشم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

• نویسنده: آیة الله ابراهیم امینی
• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
• چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
• نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۴ • شمارگان: ۱۰۰۰ • بها: ۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است
printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائیه)، ص ب ۳۷۱۸۵ / ۹۱۷، تلفن: ۳۷۷۲۱۵۵-۷، شماره: ۳۷۷۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۲۳۲۶
♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)
♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۸۸۹۵۶۹۲۲
♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع ناس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۳۳۳۶۷۲
♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰
♦ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲
♦ فروشگاه شماره ۶ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نیش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۳۳۱۷۹
♦ فروشگاه شماره ۷: قم، خیابان معلم، مجتمع ناسران، طبقه همکف، پلاک ۳۷، تلفن: ۳۷۸۴۵۹۰-۹۲

پست الکترونیک مؤسسه: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر • ویراستار: ابوالفضل طریقه‌نار • چکیده عربی: خلیل المصامی • چکیده انگلیسی: یحیی داوری • فنیها: مصطفی محفوطی • اصلاحات حروف و نگارگری و صفحه‌آرایی: حسین محمدی و احمد مؤتمنی • کنترل نمونه‌خوانی و بازخوانی نهایی متن: محمد جواد مصطفوی • نمونه‌خوانی: ابوالفضل سلیمانی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سپیدرضا موسوی منش • کارشناس طراحی و گرافیک و طراح جلد: مسعود نجابتی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماده‌سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۱	یاد خدا؛ روح نماز
۱۴	اهمیت حضور قلب در نماز
۱۶	آداب حضور قلب
۱۶	راه‌های تحصیل حضور قلب
۱۹	علامه محمدباقر مجلسی
۲۰	ملا محسن فیض کاشانی
۲۵	فصل اول: چیستی نماز
۲۵	نماز چیست؟
۲۷	معنای لغوی نماز
۲۹	نماز در اصطلاح
۳۱	فصل دوم: اهمیت نماز
۳۷	نماز اول وقت

۴۰	امام خمینی <small>رحمته الله</small> و اهمیت دادن به نماز اول وقت
۴۴	سبک شمردن نماز
۴۷	پیامدهای ناگوار سبک شمردن نماز
۴۸	تارک الصلاة
۵۵	فصل سوم: نماز های واجب و مستحب
۵۵	نماز های واجب
۵۶	واجبات نماز
۵۸	نماز های مستحب
۵۹	نماز شب
۶۱	آثار و فواید نماز شب
۶۲	کیفیت نماز شب
۶۳	توصیه بزرگان و اولیای الهی به نماز شب
۶۵	فصل چهارم: حضور قلب در نماز
۶۸	آداب حضور قلب
۷۰	راه های تحصیل حضور قلب
۷۴	دقت در معنای اذکار
۷۴	تناسب باور قلبی با الفاظ نماز
۷۴	احساس آخرین نماز
۷۵	توجه به عظمت الهی
۷۶	اسوه های حضور قلب

۷۹	اذان و اقامه
۸۰	تعقیبات نماز
۸۳	سجده شکر

فصل پنجم: آثار و فواید نماز

۸۵	بازداشتن از فحشا و منکر
۸۶	معراج مؤمن
۸۷	شست و شوی روان
۸۹	عامل دوری شیطان
۹۰	جلب رحمت الهی
۹۰	نجات از عذاب
۹۱	برطرف شدن مشکلات
۹۳	لذت روحی
۹۴	سلامت و نشاط جسمی
۹۵	نظم
۹۷	نظافت و آراستگی
۹۸	قرب به خدا
۱۰۰	تواضع
۱۰۱	اخلاص

فصل ششم: راه‌های ترویج نماز

۱۰۳	انتخاب همسر نمازگزار
-----	----------------------

- ۱۰۵ نماز در شب زفاف
- ۱۰۶ اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد
- ۱۰۷ اهتمام به آموزش نماز به فرزندان
- ۱۱۱ میانه روی در عبادت
- ۱۱۲ رفتار پسندیده نمازگزاران
- ۱۱۲ استفاده از ابزارهای هنری و رسانه‌ای
- ۱۱۵ فصل هفتم: نماز جماعت
- ۱۱۶ هدف از برگزاری نماز جماعت
- ۱۱۷ توصیه قرآن به نماز جماعت
- ۱۲۱ اولین نماز جماعت
- ۱۲۱ فضیلت نماز جماعت
- ۱۲۴ آثار نماز جماعت
- ۱۲۴ آشنایی مؤمنین با یکدیگر و پیوند دل‌ها
- ۱۲۵ کسب شخصیت و هویت
- ۱۲۷ تمرین نظم و انضباط
- ۱۲۸ تجلی وحدت
- ۱۲۹ نشانه جوانمردی
- ۱۳۰ استجاب دعا
- ۱۳۰ آمرزش گناهان
- ۱۳۳ بردن ثواب شهید
- ۱۳۴ دور شدن از نفاق

۱۳۷	فصل هشتم: نماز جمعه
۱۳۷	جمعه در لغت
۱۳۸	فضیلت روز جمعه
۱۴۰	نماز جمعه، برترین عمل روز جمعه
۱۴۳	اهمیت نماز جمعه
۱۴۵	خطیب جمعه
۱۴۹	وظایف مردم در نماز جمعه
۱۵۰	نماز عیدین؛ عید فطر و عید قربان
۱۵۳	فصل نهم: مسجد
۱۵۴	اهمیت مسجد
۱۵۵	پاداش مسجدسازی
۱۵۷	اهمیت حضور در مساجد
۱۵۷	ثواب نماز خواندن در مسجد الحرام و مسجد النبی
۱۶۰	آراستگی هنگام رفتن به مسجد
۱۶۱	سیمای مسجد و مسجدهای راستین
۱۶۱	مدیریت مساجد از سوی پرهیزگاران
۱۶۳	رعایت سادگی در بنای مسجد
۱۶۵	آمار مساجد کشور
۱۷۳	کتابنامه

پیش‌گفتار

یاد خدا؛ روح نماز

عبادات در اسلام، دو وجهه، دارند: یکی، ظاهری و صوری و دیگری، باطنی و نفسانی. جنبه صوری آن‌ها عبارت است از: افعال و حرکات و اذکاری که با زبان، تلفظ می‌شوند؛ یعنی همان قالب‌هایی که از شرع رسیده و فقهای عظام در رساله‌های عملیه آن‌ها را ثبت و ضبط نموده‌اند. مکلفین و وظیفه دارند مسائل مربوط را به‌طور دقیق بیاموزند و بر طبق آن عمل نمایند. در این راستا، در صورتی که درست انجام وظیفه کنند عملشان مقبول واقع می‌شود و مأجور خواهند بود. از این دیدگاه، نماز عبارت است از: اول، نیت نماز؛ یعنی خطور به ذهن یا این‌که بدانند چه نمازی می‌خواهند بخوانند. دوم، تکبیرة الاحرام؛ سوم، قرائت؛ چهارم، رکوع و ذکر آن؛ پنجم، سجود و ذکر آن؛ ششم، تشهد و اذکار آن؛ هفتم، سلام و اذکار آن.

چنان‌که اشاره شد، همه این‌ها جز یک سری افعال و حرکات و اذکار زبانی چیز دیگری نیستند. در واقع، همه این‌ها قالب‌های دنیوی و صوری

هستند که اندکی بعد از وقوع، نابود می‌گردند و بعد از مرگ نمازگزار و در عالم برزخ و قیامت بدین صورت دنیوی، وجود ندارند.

از آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام و سیره عملی آنان استفاده می‌شود که تمام حقیقت نماز در همین افعال و حرکات و اذکار صوری خلاصه نمی‌شود، بلکه در ورای این‌ها حقیقت دیگری وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان روح و صورت باطنی نماز تعریف کرد و آن عبارت است از: یاد خدا و توجه و حضور قلبی به معبود حقیقی. آنچه از نماز صوری باقی می‌ماند، همین وجه معنوی و باطنی نماز است که در خمیره ذات انسان، ثبت و ضبط می‌گردد و نفس را کامل و کامل‌تر می‌گرداند. به همین سبب است که در احادیث اسلامی، نماز به عنوان معراج مؤمن و ناهی از فحشا و منکر و موجب تقرب بنده به خدا معرفی شده است. فلسفه تشریح نماز و این همه تأکید و سفارش پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز تحصیل همین مقامات باطنی است. خدای متعال در قرآن کریم به پیامبر خود می‌فرماید:

من تو را برگزیدم، پس بدانچه به تو وحی می‌شود گوش فزاده. من خدای یکتا هستم و خدایی جز من نیست، پس مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من برپا دار.^۱

هم‌چنین در جایی دیگر می‌گوید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدای را بسیار یاد کنید.^۲

۱. طه، آیه ۱۳-۱۴: ﴿وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ۗ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ۗ﴾

۲. احزاب، آیه ۴۱: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۝﴾

در آیه یاد شده از مؤمنین خواسته شده که همواره و در همه احوال به یاد خدا باشند؛ چه در حال، نماز و چه در حالات دیگر. معلوم می‌شود یاد خدا، امری است کاملاً مطلوب. خدای متعال در آیه دیگری به مؤمنین فرموده:

مرا یاد کنید تا من هم شمارا یاد کنم.^۱

در برخی آیات نیز به فواید و ثمرات ذکر، اشاره شده است:

آنان که ایمان آورده‌اند و قلوبشان به یاد خدا آرامش یافته، همانا که به

ذکر خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.^۲

به عنوان نمونه، در بعضی آیات قرآن کریم، نهی از فحشا و منکر، یکی از ثمرات نماز معرفی شده و ذکر و یاد خدا از همه چیز برتر دانسته شده است:

همانانکه نماز بازدارنده از فحشا و منکر می‌باشد و ذکر [یاد] خدا برتر

است.^۳

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر: ﴿وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ نیز می‌فرماید: یاد خدا از نمازگزاران بسیار مهم‌تر و ارزشمندتر از یاد نمازگزاران نسبت به خدا می‌باشد. آیا نمی‌بینی که خدا در قرآن فرموده: ﴿فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾^۴.

همان‌گونه که در آیه یاد شده آمده بازدارندگی از فحشا و منکر به عنوان یکی از آثار حتمی نماز معرفی شده است. بنابراین، اگر فرد نمازخوانی

۱. بقره، آیه ۱۵۲: ﴿فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾.

۲. رعد، آیه ۲۸: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

۳. عنکبوت، آیه ۴۵: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾.

۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۸۰.

مرتکب فحشا و منکر می‌گردد، معلوم می‌شود نمازش عیبی داشته؛ گرچه از لحاظ قرائت و رعایت احکام فقهی، کامل و مجزی بوده است. آن نقص می‌تواند عدم حضور قلب در حال نماز باشد. آنچه می‌تواند ناهی از فحشا و منکر باشد، یاد باطنی خداست، نه این مراسم صوری تنها. همین مطلب را می‌توان در مورد معراج بودن و مقرب بودن نماز در مورد خدای بی‌زمان و بی‌مکان گفت:

در احادیث آمده: «الصلاة معراج المؤمن»، باید توجه داشته باشیم که حرکات و اذکار نماز از امور دنیوی هستند که اندکی بعد از حدوث ناپود می‌شوند، پس صرف انجام این‌ها نمی‌تواند سبب عروج نفسانی نمازگزار باشد، بلکه جنبه باطنی و نفسانی نماز است که باقی می‌ماند و می‌تواند روح مجرد و ملکوتی نمازگزار را به عالم بالا عروج دهد.

اهمیت حضور قلب در نماز

در احادیث فراوانی به نمازگزاران توصیه شده که سعی کنند در حال نماز، حضور قلب داشته باشند؛ یعنی افکار پراکنده دنیوی را به دل راه ندهند و تمام توجهشان به خدا باشد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

خدای متعال، نماز کسی را که حضور قلب ندارد قبول نمی‌کند.^۱

و نیز امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

نماز بنده به مقداری قبول می‌شود که حضور قلب داشته باشد، پس اگر

۱. همان، ص ۵۹. قال النبي ﷺ: «لا يقبل الله صلاة امرئ لا يحضر فيها قلبه».

همه نماز را در حال توهمات و خیالات ذهنی باشد، آن نماز در هم پیچیده و به صورت نماز گزار زده می‌شود.^۱

هم‌چنین امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که تکبیرة الاحرام می‌گویی توجه به نماز داشته باش! چون اگر تو به نماز توجه داشته باشی خدا هم به تو توجه می‌کند و اگر از توجه به نماز غفلت کردی، خدای متعال نیز از تو اعراض می‌کند. چه بسا که بیش از ثلث (یک سوم) یا ربع (یک چهارم) یا سدس (یک ششم) نماز بالا نمی‌رود؛ به همان مقدار که نماز گزار توجه به خدا دارد و نماز گزاری که به طور کلی غافل باشد چیزی به او عطا نخواهد شد.^۲

در روایتی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

چه بسا نماز گزاری که بیش از یک سدس یا عشر (یک دهم) نمازش مورد قبول واقع نمی‌شود. همانا که نماز بنده به مقداری قبول می‌شود که با تعقل آن را انجام دهد.^۳

و ده‌ها حدیث دیگر از این قبیل که در متن کتاب به بعضی از آن‌ها اشاره شده است.

۱. همان، ص: ۵۷، عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام قال: «للعبد من صلاته ما أقبل عليه منها، فإذا أومها كلها لقت فضرب بها وجهه».

۲. همان: عن جعفر بن محمد عليه السلام أنه قال: «إذا أحرمت في الصلاة فأقبل عليها، إذا أقبلت أقبل الله عليك، وإذا أعرضت أعرض الله عنك، وربما لم يرفع من الصلاة إلا الثلث أو الربع أو السدس على قدر إقبال المصلي على صلاته، ولا يعطي الله الغافل شيئاً».

۳. همان: قال النبي صلی الله علیه و آله: «إن العبد ليصلي الصلاة، لا يكتب له سدسها ولا عشرها و إنما يكتب للعبد من صلاته ما عقل منها».

آداب حضور قلب

همان‌گونه که جنبه‌های صوری نماز، مسائل و آدابی دارد و نمازگزاران وظیفه دارند آن‌ها را بیاموزند و عمل کنند تا جنبه صوری و فقهی نمازشان مورد قبول واقع شود و تکلیفشان ساقط گردد، جنبه‌های باطنی و نفسانی نماز نیز آدابی دارد که نمازگزار باید آن‌ها را فرا گیرد و بدان‌ها عمل کند تا نمازش مورد قبول واقع شود و از آثار آن برخوردار گردد. این آداب را می‌توان از کتاب‌های حدیث، سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و توصیه‌های عارفان راستین استفاده کرد.

ضروری است بدین نکته مهم توجه داشته باشیم که حضور قلب در حال نماز و طرد افکار دنیوی، کاری است بسیار دشوار و توفیق در آن به تصمیم جدی، کوشش فراوان، ریاضت و تمرین‌های مداوم و در رأس همه، استمداد از خدای متعال، نیاز دارد.

مهم‌ترین مانع حضور قلب در حال نماز، اشتغالات روزمره زندگی و افکار و آرزوهای دور و دراز دنیوی است؛ چنانچه این افکار، قلب و ذهن ما را اشغال کرده باشد دیگر جایی برای توجه به خدا در حال نماز باقی نمی‌ماند. انسان طالب حضور قلب باید سعی کند حداقل در حال نماز افکار دنیوی را از خودش دور سازد، البته کار دشواری است، ولی با جدیت و مراقبت و به تدریج امکان‌پذیر خواهد بود.

راه‌های تحصیل حضور قلب

آنچه می‌تواند نمازگزار را به تحصیل حضور قلب کمک کند عبارت است از:

۱. باور قلبی بر ضرورت این کار و عزم جدی بر عمل.
۲. کم‌کردن مشاغل دنیوی در حدی که فرصت کافی برای ادای نماز در اول وقت، وجود داشته باشد.
۳. در انتظار رسیدن وقت نماز بودن.
۴. قبل از فرا رسیدن وقت نماز، دست از کار کشیدن و خود را برای مقدمات نماز آماده ساختن.
۵. انسان به هنگام وضو بدین نکته توجه داشته باشد که برای شرفیابی به محضر خدای بزرگ، خود را تمیز و آراسته می‌کند.
۶. برای نماز جایی را انتخاب کند که ظواهر دنیوی؛ مانند عکس، آینه، مجسمه و نظیر این‌ها وجود نداشته باشد و حتی الامکان، آرام و بی‌سر و صدا باشد.
۷. خود را در محضر خدا بداند که می‌خواهد با او سخن بگوید و عرض بندگی نماید و به این نکته توجه داشته باشد که خدای بزرگ و علیم و عظیم او را می‌بیند، گرچه او خدا را نمی‌بیند.
۸. اذان و اقامه را با حضور قلب و توجه به معانی کلمات بگوید.
۹. در حال توجه و آمادگی قلبی، نیت کند.
۱۰. در همین حال و با توجه به معنای الله اکبر، تکبیرة الاحرام بگوید.
۱۱. آن‌گاه قرائت حمد و سوره را شروع کند و به معانی آیات و جمله‌ها کاملاً توجه داشته باشد و سعی کند همین حال توجه را تا آخر نماز نگه دارد و از ورود خاطرات دنیوی، جداً جلوگیری نمایند و اگر خاطره‌ای به ذهنش خطور کرد فوراً آن را طرد کند تا به حالت حضور قلب بازگردد و چنین حالی را تا آخر نماز ادامه دهد.

۱۲. در حال رکوع توجه داشته باشد که برای تعظیم در برابر خدا رکوع می‌کند و ذکر رکوع را با توجه به معنای آن بگوید و وقتی به سجده می‌رود توجه داشته باشد که در پیشگاه خدا به خاک می‌افتد. در حال تشهد نیز بر دو زانو بنشیند و خود را برای ادای شهادتین در برابر خدای بزرگ ببیند و به معنای شهادتین کاملاً توجه نماید.

در پایان نماز بعد از تشهد، به پیامبر و بندگان صالح خدا سلام دهد و از نماز خارج گردد.

بنا بر آنچه اشاره شد کسانی که در صدد تحصیل حضور قلب در نماز هستند باید قبلاً حداقل ترجمه فارسی کلمات و جمله‌های قرائت و اذکار نماز را یاد بگیرند و در صورت امکان با تفاسیر آنها آشنا گردند.

در این جا یادآور می‌شوم که حضور قلب کامل نمازگزار، کاری است بسیار مهم و در عین حال دشوار که نیاز به بردباری، پشتکار، تمرین و جهاد دارد. واقعاً حضور قلب در نماز، نوعی جهاد محسوب می‌شود؛ یعنی جهاد با نفس که ثوابش کمتر از جهاد با دشمن نیست. اگر نمازگزار بدان صورت که عرض شد؛ یعنی با داشتن توجه جدی به معانی کلمات و اذکار، نماز بخواند به تدریج می‌تواند آن مفاهیم را به قلب خویش تفهیم نماید تا به صورت ایمان و ملکه نفسانی در وجودش در آید. در چنین مقامی، زبان تابع قلب می‌شود و با فرمان قلب حرکت می‌کند و نماز مطلوب همین است؛ چنان‌که در بعض احادیث بدان اشاره شده است.

حضرت صادق علیه السلام در حدیثی فرمود:

قلبت را قبله زبانت قرار بده [و] زبانت را حرکت نده، مگر با فرمان

قلب و موافقت عقل و رضایت خدای متعال و بدان که خدا از ظاهر و باطن تو آگاه است.^۱

چنین نمازی می‌تواند معراج مؤمن، ناهی از فحشا و منکر و مقرب الی الله باشد. در چنین نمازی بود که پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام از خود بی‌خود می‌شدند و در این حال، حتی از حوادث کنار خودشان غافل بودند.

تذکر این نکته را نیز لازم می‌دانم که قرائت قرآن و خواندن دعاها و اذکار نیز همین‌گونه است و در صورتی می‌توان ترتب آثار مطلوب را از آن‌ها انتظار داشت که با توجه به معنا و با حضور قلب و تدبیر باشد، البته توجه و حضور قلب نیز در بین افراد و حالات آنان، متفاوت می‌باشد. طبعاً ترتب آثار نیز به همین شکل خواهد بود.

در آخر، مناسب دیدم در پیمودن این راه دشوار، از رهنمودهای علمای ربانی که این راه را پیموده‌اند و در این باره تجربیاتی دارند بهره بگیریم.

علامه محمدباقر مجلسی

از مرحوم مجلسی نقل شده که فرمود:

«برادر! بدان که هر یک از عبادات، روحی دارد و جسدی؛ ظاهری دارد و باطنی. پس ظاهر و جسد آن عبارت است از حرکات مخصوص و باطن آن عبارت است از اسرار باطنی آن و ثمراتی که بر آن مترتب می‌شود»

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۷؛ قال الصادق علیه‌السلام (فی حدیث ابی ان قال): «فاجعل قلبك قبلة للسانك، لا تحركه إلا بإشارة القلب و موافقة العقل. و رضی الإیمان، فإن الله عالم بسرک و جهرک...»

و روح آن عبارت است از حضور قلب و توجه به آن و طلب حصول آنچه هدف آن عبادت می‌باشد و نتایج و ثمرات مطلوب، جز از آن طریق حاصل نمی‌گردد؛ مانند نماز که ستون خیمهٔ دین است و خدای متعال آن را به عنوان افضل اعمال بدنی معرفی نموده و آثار مهمی را بر آن مترتب ساخته است و فرموده: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ و پیامبر اسلام ﷺ فرموده: «الصلاة معراج المؤمن» و معلوم است که آثار مذکور حاصل نمی‌شود، مگر با حضور قلب که روح نماز است؛ چون جسد بدون روح، اثری ندارد. و به همین جهت نمازهای ما ناهی از فحشا و منکر نیست و هم چنین نماز ما نتوانسته ما را از این درکات پست دنیوی به درجات عالی معنوی، صعود دهد.

نماز یک معجون الهی و یک مرکب آسمانی است که چنانچه با شرایط ویژه‌اش انجام بگیرد برای علاج امراض نفسانی و بیماری‌های روحانی، نافع است. بنابراین، نمازگزار باید در افعال نمازهایش در سر این فعل و غرض از آن خوب بیندیشد و به همان منظور آن را انجام دهد.^۱

ملاحسن فیض کاشانی

مرحوم فیض نیز در این باره نوشته: «معانی باطنیه که حیات نماز بدان بستگی دارد، شش چیز است و آن عبارت است از: حضور قلب، تفهیم، تعظیم، هیبت، امید و حیا.

اول: حضور قلب: مراد ما از حضور قلب این است که قلب در حال

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۶۸.

نماز، فارغ باشد از غیر کاری که انجام می‌دهد و به آن تکلم می‌کند؛ یعنی توجه داشته باشد که چه می‌کند و چه می‌گوید و در غیر این‌ها فکر نکند. پس هنگامی که فکر او از غیر آنچه انجام می‌دهد منصرف باشد و در قلبش توجه داشته باشد به آنچه می‌گوید و انجام می‌دهد و از آن غفلت نداشته باشد در چنین صورتی حضور قلب حاصل شده است.

دوم: تفهّم معنای کلام: تفهّم چیزی است غیر از حضور قلب، چه بسا قلب توجه به الفاظ و کلمات دارد، ولی از معنای آن‌ها غفلت دارد. پس مراد ما از تفهّم، اشتغال قلب به معانی الفاظ نماز است.

در این مقام، مردم متفاوت هستند؛ چون همه انسان‌ها در فهم معانی قرآن و تسییحات یکسان نیستند، چه بسا معانی لطیفی که در حال نماز خواندن به ذهن نمازگزار می‌رسد که قبلاً به قلبش خطور نکرده بود و از همین جهت است که نماز ناهی از فحشا می‌باشد، چه بسا در حال نماز چیزی به ذهنش بیاید که ناهی از فحشا و منکر باشد.

سوم: تعظیم: تعظیم چیزی است غیر از حضور قلب و تفهّم؛ چون گاهی انسان با دیگری سخن می‌گوید و به کلمات و معانی آن‌ها نیز توجه دارد، ولی آنچه می‌گوید به عنوان تعظیم مخاطب نیست.

چهارم: هیبت: و این غیر از تعظیم است؛ چون هیبت، عبارت است از: ترسی که منشأ آن تعظیم است؛ چون اگر خوف نداشته باشد هیبت زده نامیده نمی‌شود. باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که هرگونه خوفی هم «مهابة» نامیده نمی‌شود؛ بلکه هیبت، خوفی است که از تعظیم و اجلال نشئت گرفته باشد.

پنجم: رجا و امید: بنابراین، سزاوار است بنده خدا در نمازش امیدوار به ثواب و از تقصیر در نماز، از عقاب الهی ترسناک باشد.
 ششم: حیا: مستند حیا، استشعار تقصیر و احتمال گناه است.»
 مرحوم فیض بعد از ذکر این معانی شش گانه به طریق تحصیل این امور می پردازد و می گوید:

«بدان که راه تحصیل حضور قلب، همت و عزم نمازگزار می باشد؛ زیرا قلب تابع تصمیم و همت است. قلب حضور پیدا نمی کند، جز در چیزی که بدان اهتمام داشته باشد. وقتی انسان به امری اهتمام داشت، قلب او خواه ناخواه بدان سوی توجه پیدا خواهد کرد و جز این چاره ای ندارد. بنابراین، اگر قلب، حضور در نماز نداشته باشد بیکار که نخواهد ماند، بلکه حضور پیدا می کند در امور دنیوی. پس در حضور قلب چاره ای نیست، جز این که تمام هم خود را به نماز مصروف بدارد و چنین اهمیتی حاصل نمی شود، مگر این که برایش روشن شود که جز از این طریق به مطلوب نخواهد رسید و آن عبارت است از ایمان و تصدیق به این که ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ و این که نماز بهترین وسیله نیل بدین مقصود است و چنانچه علم به حقارت و بی ارزشی دنیا به آن ضمیمه شد. در چنین صورتی حضور قلب در نماز میسر خواهد شد.

و اما راه تحصیل تفهیم، بعد از حضور قلب، ادامه تفکر و توجه ذهن به ادراک معانی است و علاج آن، همان احضار قلب با اقبال به فکر و سعی در رفع خواطر شاغله دنیوی است.

و علاج دفع خواطر، قطع مواد آنهاست که خواطر از آنها نشئت می گیرند [پس] مادام که این مواد قطع نشود، خواطر ذهنی مربوط بدانها

قطع نخواهد شد. هر کس به چیزی محبت پیدا کرد همواره از آن یاد می‌کند و یاد محبوب، همواره بر قلب او هجوم می‌نماید و از همین روی مشاهده می‌کنید کسانی که شیفته دنیا هستند هیچ‌گاه نمی‌توانند قلب خود را از افکار و خاطرات دنیوی فارغ سازند.

اما تعظیم، حالتی است از قلب که از دو معرفت به وجود می‌آید: یکی، معرفت جلال و عظمت خدا که آن از اصول ایمان است. کسی که به عظمت خدا اعتقاد نداشته باشد نفس او به عظمت خدا اعتراف نخواهد کرد. معرفت دوم، علم به حقارت نفس و پستی آن و این‌که او بنده خدا و مستخر اراده او می‌باشد. از این دو معرفت، انکسار و خشوع در برابر خدا حاصل می‌شود که از آن به‌عنوان تعظیم یاد می‌شود.

تا زمانی که معرفتِ حقارتِ نفس با معرفتِ جلال و عظمت پروردگار عالم، امتزاج پیدا نکند، حالت تعظیم و خشوع حادث نمی‌شود. شخصی که خودش را بی‌نیاز از غیر و در نفس خودش احساس امنیت کند می‌تواند صفت عظمت را در غیر خودش بیابد. خشوع و تعظیم، حال چنین شخصی نخواهد بود؛ چون معرفت به حقارت نفس و احساس نیاز به آن را به همراه ندارد.

اما صفت هیبت و خوف یک حالت نفسانی است که از معرفت به قدرت خدا و سلطه و نفوذ مشیت او حاصل می‌شود... و بالجمله هر چه علم به خدا زیادتر شود بیشتر احساس خشیت و هیبت خواهد کرد.

اما منشأ صفت رجا و امید، معرفت به لطف و کرم خدا و احسان بی‌پایان و لطائفِ صنع او نسبت به بندگان و علم به این‌که به نمازگزاران و عدهٔ بهشت داده شده، حاصل می‌شود. پس هنگامی که بنده به وعده‌های خدا

یقین حاصل کرد و به الطافش امیدوار شد از این مجموع، صفت رجا حاصل خواهد شد.

اما حیا در اثر احساس تقصیر در عبادت و علم به ناتوانی خودش در ادای حق بزرگ خدای متعال و علم به عیوب و آفات نفس خودش و آفت‌هایی که در این راه وجود دارد و ضعف اخلاص و خبث باطنی و میل به لذت‌جویی‌های زودگذر با علم به عظمت آنچه مقتضای عظمت و جلال خداست و این‌که خدای متعال، عالم به اسرار باطن انسان و خطورات قلبی او می‌باشد؛ گرچه بسیار دقیق و پنهان باشند. از این مجموع، حالتی برای بنده حاصل می‌شود که «حیا» نامیده می‌شود.^۱

در خاتمه از زحمات برادران گرامی و فضلالی ارجمند آقایان: ابوالفضل طریقه‌دار و حجة الاسلام و المسلمین آقای مهدی صلواتی که در تنظیم و تکمیل و ویراستاری این اثر به بنده اظهار لطف فرمودند تشکر می‌کنم و توفیق همگان را از خداوند منان خواستارم.

قم - آبان ۱۳۹۱

ابراهیم امینی